

رحمت‌الله امیراحمدی عضو هیأت علمی دانشگاه و مرتضی توکلی در تحقیقی با اشاره به این مطلب می‌افزایند: سنتها، قوانین وعادات‌های اجتماعی در بسیاری از مواقع، دختربچه‌ها را به کودکان کم‌اهمیت تبدیل کرده است. چنان که تصمیمات خانواده‌ها دراموری از قبیل: تغذیه، کارهای خانه و مراقبت‌های بهداشتی و دسترسی به آموزش به سود پسران بوده است، تا دختران. همچنین اطلاعات حاکی از آن است که دختران از بدو تولد به خاطر ساختار بیولوژیکی خاص بدنشان، مقاومت بیشتری از پسران نسبت به عفونت و سوءتغذیه دارند ولی با این وجود، در سراسر دنیا تعداد دخترانی که از سوءتغذیه رنج می‌برند،

بیشتر از پسران هستند. حتی در روستاهای کشورنیز دختران روستایی، ۱۴ درصد بیشتر از پسران دچار سوءتغذیه هستند. چرا که زنان از نظر نیازهای تغذیه‌ای خود را در درجه اهمیت کمتری نسبت به مردان خانواده قرار می‌دهند و همین برداشت را نیز به دختران خود انتقال می‌دهند به همین دلیل، کم وزنی و کم خونی نیز در زنان و دختران بیشتر از مردان دیده می‌شود. این دو محقق معتقدند که مطالعات جدید نشان دهند بی‌عدالتی گسترده در توزیع کارهای خانگی بین افراد خانواده است و سایر وظایف برمبنای تبعیضات جنسی هستند. آنان می‌گویند: براساس تحقیقات«فائو» ۲۲ درصد از کارهای منزل بر دوش دختربچه‌هایی است که در سنین بین ۱۴–۱۰ سال قرار دارند، درحالی‌که سهم پسران ۶ درصد است. دختربچه‌ها معمولاً دیرتر و در شرایط حادثتری به بیمارستان رسانیده می‌شوند و میزان مرگ و میر آنان در دوره اولیه کودکی در کشورهایی شایع است که پسران را به دختران ترجیح می‌دهند و ارزش کمتری برای دختران و زنان قائل هستند. علاوه بر این، اطلاعات حاکی از آن است که در مورد آموزش هم، دختران سهم کمتری دارند، حداقل ۶۰درصد از کودکانی که به آموزش ابتدایی دسترسی ندارند، دختر هستند و همچنین دو سوم بزرگسالان بیسواد در جهان، زنانی هستند که یا امکان رفتن به مدرسه را نداشته‌اند و یا مدرسه را ناتمام ترک کرده‌اند.

خوب است بدانیم که در جهت حمایت از این محرومان در بسیاری از کشورهای جهان، پروژه‌های گوناگونی اجرا شده که گام‌هایی مؤثر در جهت بهبود وضعیت موجود محسوب شده است. همچنین در کشور ما نیز سازمان‌های گوناگونی در جهت پشتیبانی از دختران جوان و نوجوان

روستایی در حال فعالیت هستند که «سازمان بهزیستی» از جمله آنهاست. مطابق آمار موجود کشور ما به لحاظ جمعیتی، از جوان‌ترین کشورهای جهان به حساب می‌آید. بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ مرکز آمار ایران، ۲۳ میلیون نفر از کل جمعیت کشور، ساکن مناطق روستایی هستند که ۵۰/۳ درصد آنها را زنان روستایی تشکیل می‌دهند و با توجه به جوان بودن جمعیت کشور، قسمت بیشتر رقم فوق را دختران روستایی تشکیل می‌دهند

توسعه انسانی پایدار

به طور کلی توسعه انسانی پایدار، مفهومی است که بخش زیادی از فعالیت‌های انسانی را در برمی‌گیرد. معمولاً در هر سطحی از

دختران روستایی نیمه فراموش شده سرمایه‌های انسانی

شاید مهمترین عامل محرک

در ارتقای فعالیت زنان

در جهت رسیدن به یک رفاه

پایدار، ادراک، فهم و آگاهی

زنان و دختران روستایی از

استعدادها و توانایی‌های خود

در راستای نقش و عملکردی

است که جامعه برای آنها

تحمیل نموده است

توسعه، سه عامل ضروری برای مردم ملاک قرارمی‌گیرد که عبارتند از: رسیدن به یک زندگی طولانی و توأم با سلامت، کسب علم و دانش و دستیابی به منابع مورد نیاز در یک سطح زندگی مناسب و شایسته. البته مفهوم توسعه انسانی، تنها به همین جا ختم نمی‌شود، بلکه گزینه‌های ارزشمند دیگری نیز وجود دارد که از آزادی

سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گرفته تا فرصت سازندگی، بروز خلاقیت و بهره‌مندی از عزت نفس شخصی و تضمین حقوق انسانی را دربرمی‌گیرد.
دراین میان دختران روستایی به عنوان آسیب پذیرترین قشر انسانی کمتر

اشاره:

مطابق آخرین گزارشها و آمارهای موجود، ۱/۳ میلیارد نفر از افراد کشورهای در حال توسعه در فقر زندگی می‌کنند. اگر آن دسته از افرادی را که در حاشیه و مرز مطلق فقر قرار دارند، براین تعداد بیفزاییم، تعداد فقرا به بیش از دو میلیارد نفر می‌رسد.

شواهد نشان می‌دهد که فقر حاکم بر جهان، زنان روستایی را بیشتر تحت تأثیر قرار داده است. به طوری که بار فقری که بر دوش زنان هموار می‌شود، عواقبی جدی برای کودکان به ویژه دختران خردسال روستایی دارد. ممکن است که در برخی نقاط، فقر مهمترین مانع رشد همه جانبه کودکان نباشد، لیکن اشکال گوناگون تبعیضات جنسی، فرصت‌های برابر را از دختران خواهد گرفت.



در گردونه توسعه انسانی پایدار مورد توجه قرار می‌گیرند و همواره هویت واقعی آنها به فراموشی سپرده شده است.
دختران روستایی، عامل مؤثر در فرایند توسعه روستایی محققین معتقدند، استراتژی‌های توسعه روستایی بر اهدافی چون افزایش تولیدات، استفاده بهتر از منابع کمیاب،

استفاده بهتر از سرمایه جهت ایجاد فرصت‌های اشتغال، توزیع مجدد درآمد، ارتقای سطح زندگی جمعیت‌های روستایی و مشارکت در سطح جامعه است.
با قاطعیت می‌توان گفت که آموزش دختران روستایی باعث

مطابق آخرین گزارشها و آمارهای موجود، ۱/۳ میلیارد نفر از افراد کشورهای در حال توسعه در فقر زندگی می‌کنند. اگر آن دسته از افرادی را که در حاشیه و مرز مطلق فقر قرار دارند، براین تعداد بیفزاییم، تعداد فقرا به بیش از دو میلیارد نفر می‌رسد.
شواهد نشان می‌دهد که فقر حاکم بر جهان، زنان روستایی را بیشتر تحت تأثیر قرار داده است. به طوری که بار فقری که بر دوش زنان هموار می‌شود، عواقبی جدی برای کودکان به ویژه دختران خردسال روستایی دارد. ممکن است که در برخی نقاط، فقر مهمترین مانع رشد همه جانبه کودکان نباشد، لیکن اشکال گوناگون تبعیضات جنسی، فرصت‌های برابر را از دختران خواهد گرفت.

دسترسی به منابع ناشی می‌گردد. می‌توان گفت که علت تولید پایین زنان نسبت به مردان، محدودیت روانی و...در قالب تأمین نیازهای عام و خاص تأمین شود. رفاه زنان بایستی با توجه به گروه (زنان) بی‌سرپرست، بدسرپرست، معلول، فاقد مالکیت ابزار تولید می‌شود.

مرحله سوم، آگاهی است. شاید مهمترین عامل محرک در ارتقای فعالیت زنان در جهت رسیدن به یک رفاه پایدار، ادراک، فهم و آگاهی زنان و دختران روستایی از استعدادها و توانایی‌های خود، در

بررسی یک تحقیق
*زینب رحمتی



و...و فواصل جنسیتی و چرخه حیات نوعی در مقایسه با مردان در زمینه‌های مختلف رفاه مورد توجه باشد. بنابراین دراین بعد به مبنای توجه به توانایی‌های جسمانی و روانی زنان(با توجه به نیازهای آنان) مطرح می‌شود.

مرحله دوم، دسترسی فواصل جنسیتی در مراحل رفاهی مستقیماً از مسئله نابرابری

روستایی، مشارکت به معنای حضورفعال زنان با توجه به تواناییها و استعدادهای جسمانی و روانی در تمام مراحل، بررسی نیازها، شناسایی مشکلات، برنامه‌ریزی، مدیریت، اجرا و ارزشیابی است.
برابری درمشارکت به حذف تبعیضات جنسی بین مرد و زن نیاز دارد، چرا که مهمترین عامل برای بهبودی رفاه اجتماعی و اقتصادی، استفاده از دو جنس مرد و زن است.
مرحله پنجم، کنترل است. افزایش مشارکت زنان در مراحل تصمیم‌گیری، ایشان رابه سوی فزاینده سوق داده و آنها را تواناتر می‌سازد. به طوری که این مشارکت برای کسب افزایش کنترل در عوامل تولید و تضمین برابری درمنابع و توزیع عادلانه منافع و توازن قدرت بین زنان و مردان است.

موارد محرومیت‌های ویژه در دختران روستایی

مواردی که باعث محرومیت در دختران روستایی می‌شود عبارتند از:
پایین بودن مراقبت‌های بهداشتی و برخورداری از تغذیه نامناسب نسبت به پسران خانواده، در مقایسه رشد پسران و دختران روستایی، اغلب مشاهده می‌شود که سوءتغذیه در بین دختران رایج‌تر است. کم وزنی در بین آنها بیشتر و کم‌خونی ناشی از فقر آهن، در دختران شیوع بیشتری دارد. چنان‌که در بررسی‌های اخیر در کشور ما تشخیص داده شده که درمناطق روستایی ایران، ۱۵ درصد پسران زیر ۵ سال، وزنی کمتراز حداقل استاندارد دارند که این نسبت برای دختران ۲۳ درصد است. باید گفت که معضل فوق، ضررهای آنی و آتی فراوانی رابه دنبال دارد. به طوری که از یک سو، برآینده نسل بعدی که دختران امروز، پرورش دهندگان آنها خواهند بود، تأثیر سوء می‌گذارد و از سوی دیگر، در حال حاضر نیز دختران روستایی را با معضلات بسیاری به لحاظ سلامت جسمی، هوشی و روانی مواجه می‌کند که این امر، تأثیر روحی و روانی منفی نیز بر ذهن دختران برجای می‌گذارد.

پایین بودن میزان باسوادی و دسترسی به فرصت‌های مهارت آموزی دختران نسبت به پسران در روستا از دیگر موارد محرومیت دختران روستایی است. اطلاعات حاکی از آن است که متأسفانه در کشور ما برنامه‌های آموزشی، ترویجی و مهارت‌آموزی در خصوص زنان و دختران روستایی به صورت گسترده‌ای اجرا نشده است

به طوری که زنان و دختران روستایی از دسترسی به آموزش‌های متناسب با نیازهای خود محروم مانده‌اند. علاوه بر ناچیز بودن میزان آموزش‌های ارائه شده، دلایل مختلفی برای این امر می‌توان متصور شد که البته وجود برخی از این دلایل، به جو فرهنگی حاکم بر روستاها برمی‌گردد که به آنها اجازه حضور در محافل مردانه را نمی‌دهد و برخی هم به نامناسب بودن زمان، مکان و محتوای برنامه‌ها و عدم هماهنگی با مشغله‌های دختران و زنان روستایی و نیز دلایل اقتصادی برمی‌گردد.

علاوه بر مورد فوق می‌توان به پایین بودن میزان سواد زنان روستایی نسبت به مردان روستایی اشاره کرد. چنان‌که اطلاعات بدست آمده گویای این مطلب است که میزان باسوادی مردان روستایی حدود ۱۵ درصد بیشتر از زنان روستایی است. به عبارت بهتر، درحالی‌که در سال ۱۳۷۵ نزدیک به ۷۷ درصد مردان روستایی با سواد بوده‌اند، میزان باسوادی زنان روستایی ۶۴/۵ درصد بوده است.

چه باید کرد؟

درادامه تحقیق، رحمت‌الله امیراحمدی و مرتضی توکلی راهکارهایی را در جهت بهبود وضع بهداشت، تغذیه، اشتغال و...ارائه کردند. آنان معتقدند که با توجه به این که نیمی از جمعیت کشورما را زنان تشکیل می‌دهند زنان فقیر روستایی از محروم‌ترین قشرهای جهان محسوب می‌شوند. همچنین این زنان در مقاسه با مردان، بیمارتر و بیسوادترند و همچنین از فرصت‌هایی که مردان برای بهبود شرایط خویش در اختیار دارند، محروم هستند. پس باید به منظور بهبود وضع بهداشت، تغذیه، اشتغال، آموزش و...اقداماتی را انجام داد. از جمله این که اقدامات مربوط به برابرسازی، ارتقای بهبود شرایط روحی، روانی وجسمانی دختران روستایی پرداخت. همچنین به حذف تمام الگوهای منفی و نادرست اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در مورد زنان و دختران روستایی اقدام کرد و درنهایت به تدوین و ارائه راهکارهای قانونی و مدنی با توجه به شرایط اجتماعی و عرف محلی برای تعیین شاخص‌های سنی کار، تغذیه، ازدواج و...دختران روستایی پرداخت.